

عنوان مقاله:

مطالعه ی ظرفیت های نمایشی شخصیت عرفانی کیخسرو در اثر حماسی شاهنامه از دریچه ی نظریه ی کنش مندی گرماس

محل انتشار:

هفتمین همایش بین المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

نویسندگان:

حورا حق شنو - دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات نمایشی، دانشکده عالی هنر شیراز

احسان علیرضایی - استادیار دانشکده عالی هنر شیراز

خلاصه مقاله:

از دیرباز شاهنامه ی فردوسی با طیفی گسترده از شخصیت های پیچیده، به دلیل برخورداری از ظرفیت بالقوه، منشاقتباس های متعدد نمایشی بوده است. برای این که فرایند اقتباس به درستی انجام پذیرد، پیش از ورود به نگارش متون نیاز این دست، باید شخصیت ها را از منظر نظریه های دراماتیک تحلیل کرد. بدیهی است شخصی تپردازی قهرمان نمایش بهمنزله ی یکی از ارکان اصلی دنیای تئاتر، شامل مولفه های ویژه ای چون انگیزه، کنش دراماتیک، خصوصیت های فیزیکی و روانی می شود که آن را از شخصیت پردازی داستانی متمایز می کند؛ نظریه ی کنش مندی شخصیت گرماس یکی از آخرین و مهمترین دیدگاه ها در حوزه ی شخصیت پردازی دراماتیک است که اثر را براساس میزان کنش در بافت متن نمایشنامه می سنجد. کیخسرو در شاهنامه، آخرین نمونه ی الگوی برجسته ی «انسان کامل» است که از وحدت وجود چهار جوهر کامل کننده ی سرشت آدمی یعنی هنر، نژاد، گوهر و خرد برخوردار است. ظهور او در شاهنامه، نوید تغییری بزرگ رامیدهد که مطابق با اساطیر زرتشتی در پایان جهان باید واقع شود. این تحول عجیب همان پیروزی نهایی نور بر تاریکی است و از این دریچه، با تکیه بر رخدادهای عروج، جاودانگی و تعریف انسان کامل بارها با قهرمان های ادبیات دیگر ملل همچون مسیح، ذوالقرنین و کوروش تطبیق داده شده است. این پژوهش با رویکرد نظریه ی مذکور و با برشمردن مولفه های شخصیت نمایشی، به روش توصیفی-تحلیلی، با بهره گیری از منابع معتبر علمی و با کمک شیوه ی پرداخت هنری فردوسینشان می دهد که میتوان چنان دیگر نمونه های این حوزه، نمایشنامه ای اقتباسی حول محور شخصیت کیخسرو آفرید.

کلمات کلیدی:

کیخسرو، اقتباس نمایشی، کنش مندی، گرماس، انسان کامل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1554890>

